نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۳

اثر تحریم‌ها بر دانشگاه‌ها

تحریم‌هایی که در سال‌های اخیر بر ملت ایران تحمیل شده، گرچه به گفته مسؤولان عالی نظام (رهبر انقلاب)، بیشتر سوء مدیریت داخلی است تا کینه دشمن خارجی، خواهی‌نخواهی تبعات و عوارضی را کم و بیش بر سازمان‌ها و نهادهای مختلف می‌گذارد، در این نوشتار، این عوارض بر دانشگاه‌ها (بالاخص دانشکده‌های داروسازی کشور) به‌طور مختصر بررسی می‌شود:

الف ـ آموزشی

به‌خاطر افزایش بهای دلار و کاهش ارزش پول ملی، که منجر به کمبود بودجه و مشکلات مالی شده، دانشگاه‌ها به‌طور غیررسمی تشویق می‌شوند که مستقلاً از هر مسیری درآمد کسب کرده و بخشی از هزینه‌های خود را تأمین کنند، مثلاً کرایه دادن سالن‌ها و کلاس‌ها و ... برای هر متقاضی (کلاس‌های کنکور و دستیاری، سمینارها، مجامع شرکت‌ها و نهادها، جلسات مختلف، گردهمایی‌های گوناگون و حتی جلسات ادبی، هنری و کنسرت‌ها و ...) که این امر موجب تغییر ظاهر و عملکرد دانشگاه‌ها از حالت علمی و آموزشی شده است. حتی گاهی در روزهای تعطیل و آخر هفته، که

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۲

فعالیت اداری و آموزشی دانشگاه‌ها تعطیل است، دانشگاه‌ها شلوغ‌تر و پر رفت و آمدتر شده‌اند! طبیعتاً متقاضیان مذکور به برگزاری مراسم و جلسات خود در دانشگاه‌های بزرگ و مشهور، تمایل و رضایت دارند. از طرف دیگر، برخی دانشگاه‌ها با همدیگر در جلب و جذب مشتری، رقابت می‌کنند و در این راستا، قوانین تجارت حاکم می‌شود مانند تخفیف دادن، دامپینگ، و ...

افزایش تعداد دانشجویان ـ علاوه بر آزمون سراسری و ورود دانشجویان خودگردان (به اصلاح شعب بین‌الملل)، برخی دانشگاه‌ها پذیرای ورود دانشجویان خارجی از کشورهای اطراف هستند که تعداد زیاد این‌ها باعث کاهش کیفیت آموزشی (و به‌خصوص کلاس‌های عملی) شده است (به‌خاطر کمبود فضای فیزیکی و امکانات و مواد و لوازم و ...). اخیراً هم که تعداد زیادی دانشجو به‌خاطر مشکلات تهیه و گرانی ارز و مشکلات ارسال آن، بعد از گذراندن یکی دو ترم در خارج، مستقیماً و بدون شرکت در آزمون سراسری به دانشگاه‌های داخل منتقل می‌شوند که تعدادشان و سطح اطلاعات درسی و سواد آن‌ها نگران‌کننده است. مضافاً باید به اختلاف‌های فرهنگی بین دانشجویان ایرانی و خارجی نیز اشاره نمود.

مشکلات مالی باعث اشتغال دانشجویان در دوران دانشجویی شده و آن‌ها به‌جای مطالعه و تحقیق و ورزش و فعالیت فرهنگی و اجتماعی (مانند همه دانشجویان دنیا)، به‌دنبال کسب درآمد (از هر طریقی حتی رانندگی آژانس‌های حقیقی و مجازی، فروشندگی، منشی‌گری، کارمندی، کارگری، بنگاه املاک، شیفت داروخانه و ...) هستند و این باعث افت کیفیت آموزش نظری و عملی آن‌ها می‌شود. این دانشجویان به‌جای مطالعه کتاب‌های مرجع و درسی به زبان اصلی در کتابخانه‌ها، اقدام به مطالعه جزوات سال بالایی‌ها (که به راحتی تکثیر و فروخته می‌شوند)، اسلاید دروس اساتید و جزوه‌نویسی می‌کنند و به حداقل نمره قبولی راضی هستند. تبعات این روش درس خواندن و درس دادن و این تحصیل‌کردگان، بر مردم و آحاد جامعه، در سال‌های بعد (و در حال حاضر) کاملاً مشهود و نگران‌کننده و فاجعه‌آمیز است. گرچه کار کردن، لازم است و حقِ افراد است و عار نیست ولی اولویت با درس و دانشگاه می‌باشد. از همه نگران‌کننده‌تر وجود برخی دانشگاه‌ها است که عملاً و بر خلاف قوانین جاری و مصوب کشور، به برخی کارمندان اجازه داده در آن دانشگاه ثبت‌نام کنند و عملاً به آن‌ها مجوز داده سرِ کلاس و در دانشگاه حضور نیابند!

این اشتغالات و عدم حضور دایم دانشجویان در کلاس‌های درس و در دانشگاه‌ها، موجب آموزش بی‌نظمی و دور زدن قوانین و بی‌احترامی به علم و استاد و جامعه می‌شود (القای این تفکر که برای کسب درآمد باید هرکار قانون‌گریزی را انجام داد و آموزش و درس در درجه اول اهمیت نیست).

مشکلات مالی و نگرانی و ناامیدی از آینده شغلی و آینده کشور، باعث عدم تمایل به درس خواندن و نیز افزایش تمایل به مهاجرت به کشورهای دیگر شده است. این نگرانی از آینده شغلی و آینده کشور، باعث فعالیت‌های جانبی اساتید به‌جای تمرکز بر تحقیق و آموزش شده است.

تأسیس دانشکده‌ها و دانشگاه‌های متعدد در

نمونه ۳ – ۹۷/۹/۲۳

گوشه و کنار کشور بدون برآورد دقیق و توجه به نیاز واقعی، موجب پراکندگی بودجه‌های اندک به‌جای تمرکز دادن بودجه‌ها شده و همه از کمبود بودجه می‌نالند. همه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها، به‌جای اشتغال‌زایی و کار و تولید، اقدام به تأسیس رشته، دانشگاه یا مراکز آموزش عالی می‌نمایند و به‌جای اشتغال جوانان، آنان را به دانشگاه‌ها هدایت می‌کنند، تأسیس این همه دانشگاه در همه جای کشور، تبعات خاص اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود را داشته است.

ب ـ پژوهش

گران شدن مواد، لوازم و دستگاه‌ها (به‌خاطر بی‌ثباتی قیمت‌ها و بازار) عملاً انجام پژوهش‌های خوب را از بین برده است. گران شدن‌ها و کمبود بودجه باعث قطع ارتباط‌های بین‌المللی محققان (پرداخت حق عضویت در انجمن‌های علمی بین‌المللی، شرکت در مجامع و همایش‌های خارجی و ...) می‌شود. این گران شدن‌ها و عدم تأمین دستگاه‌های جدید و پیشرفته، باعث شده تحقیقات محققان دانشگاهی با لوازم و دستگاه‌های قدیمی و از رده خارج شده انجام شود که دقت کافی نداشته و دیگر در دنیا قابل ارایه نیستند. یعنی به‌تدریج پژوهش‌های دانشگاهی در ایران از کشورهای دیگر عقب می‌ماند.

متعاقباً کاهش بودجه موجب بی‌نظمی علمی و ظهور علم و پژوهش غیرواقعی (شبه علم) در دانشگاه‌ها و کل جامعه می‌شود. این وضعیت هم‌چنین باعث اُفت پژوهش‌های دقیق علمی و واقعی و تبدیل دانشگاه‌ها به دبیرستان‌های عالی شده است. این نگرانی عمیق وجود دارد که متعاقباً و به‌تدریج، برخی مسؤولان دانشگاهی ممکن است بودجه‌های پژوهشی اندک موجود را به سمت برخی افراد و مراکز خاص هدایت کرده که موجب تبعیض در دانشگاه‌ها و سَرخوردگی اساتید جوان گردد.

امید است با مدیریت صحیح همه مشکلات موجود مرتفع گردد.

دکتر فراز مجاب